

شما بزند و آنرا بشکند ممکن است طفلک یکمشت داد و فریاد و بدوبیراه بشنود و شاید هم یکی دوتا کف دست‌های جانانه نوش جان کند ! برای او هر دوی این اعمال یکسان است و در هیچکدام خیال خرابکاری ندارد ولی شما ، از نظر ارزش اشیاء و میزان خسارت وارده آنها را کاملاً مختلف میدانید .

رعایت این اختلاف ، بهنگام روبرو شدن با خرابکاری اطفال بسیار مهم است . تمام بچه‌ها ، چیزهایی رامی شکنند و از بین میبرند . در اینگونه موارد ، خونسردی را حفظ کردن ، و واقعه را از نظر طفل دیدن ، گاه دشوار است ، اما بخاطر طفل ،

اگر بچه‌ای خرابکار است



و بخاطر حفظ نظم و آرامش خانه بسیار لازم است در هر حال باید در پی کشف علت بود . بعضی خرابکاریها تصادفی است و بعضیها عمدی . در هر یک از این موارد ، باید چاره‌های درخور آن اندیشید

اگر دختر کوچولوی شما ، در حین بازی در آشپزخانه ، یک قوطی خالی را بزمین بزند ، مطلب زیاد مهم نیست ، ولی اگر توی اطاق نشیمن باز در موقع بازی ، این قوطی را به چراغ قشنگ

چند نمونه از خرابکاریهایی که صرفاً " تصادفی است .

۱- فرض کنید کودکی به میزی نزدیک میشود و به ظرفی که روی آن است دست می زند .

این اتفاق روی میدهد :

۱- ظرف تقریباً " می افتد .

۲- ظرف پر از آب است و چند قطره از آن میریزد .

۳- تمام آب روی کف اطاق میریزد .

۴- غذائی در ظرف است و تمام آن روی کف اطاق میریزد .

۵- در ظرف مواد رنگبست ، میریزد و رومیزی و فرش و لباس بچه را آلوده میکند .

۶- در این ظرف آبجوش است و او را می سوزاند و والدین اغلب چنین می کنند :

۱- ندیده بگیرند .

۲- سرها و گوش زد میکنند که همیشه مواظب باشد .

شاید هم مادرش او را تهدید کند که اگر بار دیگر چنین کند ، کتک میخورد .

۳- مادر ناراحت میشود و برای این خطا که از بچه سرزده ملامتش میکند .

۴- برای این " ضایعه " او را ملامت میکند .

۵- بخاطر این خرابکاری او را ملامت و شاید هم تنبیه میکند .

۶- مادر نگران میشود و او را نوازش میکند .

در این هر شش نمونه ، کودک فقط یک هدف دارد : تجسس و کنجگاو .

حالا در اختلاف نوع عکس العملها، یک طفل با آنها روبرو میشود دقت کنید .

یا فرض کنید وضع از این فرار باشد : طفل عروسکی را با آن طرف اطاق پرت میکند .

این اتفاق روی میدهد :



۱- عروسک روی صندلی میافتد .

۲- عروسک میشکند .

۳- عروسک به یک گلدان گرانبها میخورد و در نتیجه گلدان میشکند .

والدین چنین میکنند :

۱- حرفی ندارند !

۲- طفل را برای این خرابکاریش سرزنش میکنند

و میگویند : " حیف این عروسک مامانی برای تو "

۳- طفل را بخاطر این خرابکاری تنبیه میکنند .

در این سه مورد اخیر نیز عمل طفل در خور سرزنش نیست . شاید بی هیچگونه قصد خرابکاری ، و تنها

بر اثر نشاط و شغف کودکانه اش ، چنین کرده است

شاید عصبانی بوده و این عصبانیت خود را سر

عروسک خالی کرده است . کودک بجای زدن مادر

و همبازیش خشم خود را با پرتاب کردن عروسک

فرو مینشاند و این واکنشی است کاملاً سالم و طبیعی

کنجگاو و تجسس (در مثال های نوع اول) و نیرو

و جنبش (در مثالهای نوع دوم) محرک اصلی طفل

است .

— تا ممکن است به کودک برای بازی آزادی بدهید
جائی برای او معلوم کنید که وی با بچه‌ای بزرگتر
از خود ش، بازیچه‌های مناسبی که شورونیروی
بی بندوبار او را اقناع کند، بازی کند، اگر بتوانید
محلی برای بازی اومعین کنید که "بتواند بدانجا
برود" خیلی آسان تر بی خواهد برد که بعضی
جاها هست که جای بازی نیست.

— سعی کنید که موقعیت‌هایی را که منجر به خرابکاری
طفل میشود پیش بینی کنید تا بتوانید پیشاپیش
از آنها احتراز جوئید. اگر پرویزیا سیمین تویشان

در تمام جهان کیست که این دو خصیصهٔ انسانی
را تخطئه کند و گناه شمارد؟ خطا کار شمردن کودک
در چنین مواردی نه تنها بیجا است، بلکه
زیانبخش نیز هست.

این دو خصیصه در بزرگترها هم ستوده است
و نباید با سرزنش و تنبیه سرکوب شود. کودک
ضعیف تر از آنست که بتواند رگبار "مواظب باش"
و "مکن" های همیشگی شماراناب بیاورد، لیکن
با اینهمه باید این خرابکاریها و از بین بردن های
اورا تا حد ممکن تقلیل داد.



شوروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

راتوی اطاق پرت کردند، جای آنست که جائی
گشاده‌تر و مناسب‌تر اگر ممکن است در هوای آزاد
برای بازی آنان در نظر گیرید، و یا لاقلاً بخواهید
که بیک بازی دیگر که بی دردسرت‌تر باشد،
بپردازند.

— میدانید که یکسان پنداشتن اشیاء و بی توجه
بودن نسبت بارزش آنها در تمام بچه هاست
و این نشانه‌ی یک روح سالم و بی بندوبار است

چگونه از خرابکاریهای تصادفی طفل جلوگیری کنیم ؟
هم اکنون بمنزل بروید و ببینید چه چیزهایی
را میتوانید از دسترس طفل دورنگهدارید و یا
طوری جابجا کنید که طفل با آنها برخوردی پیدا
نکند — آن کتابهایی را که دائم زیرورومیکند و
بهم میریزد، آن گل کوچکی که همیشه سسر راه
اوست و . . . تعجب خواهید کرد که چقدر زحمت
خود را کمتر کرده‌اید و در برابر، آزادی و آسودگی
بیشتری برای طفل فراهم آورده‌اید.

شما او رامی خواهید، دوست میدارید و برای او اهمیت قائلید وقتی کمی بینید خرابکاری نمیکند تحسین و تمجیدش کنید و در غیر اینصورت هم— که بیشتر به کمک و همراهی نیاز دارد— او را سرزنش یا تنبیه نکنید. مگر خدای نکرده با او دشمنید؟ کودکی ممکن است خود را تنها و بی پشتیبان خیال کند؛ و خود را در انجام دلخواه خویش ناتوان ببیند. اگر در چنین موردی پدر یا مادرش در سر راه آرزوهای وی قرار گیرند، او با خراب کردن و از بین بردن متعلقات آنان، آنان را از سر راه خود دور می کند. در اینجا باید حدود و قیود لازم را بشکلی منطقی و محبت آمیز با او گوشزد کرد.

اگر کودک خود را در کاری ناتوان ببیند، دست بکارهایی خواهد زد که همین این ناتوانی اوست. مثلاً در ترسیم یک نقاشی اشتباهی میکند بلافاصله آن کاغذ، و شاید چندتا تکه کاغذ دیگر را هم ریز ریز میکند و دور میریزد. چه بهتر که او را وقتی که دست در کار تازمائی می شود، با راهنماییها و دلگرمیهای لازم کمک کنید. چیزهایی که میتواند بسادگی مورد استفاده ی او قرار گیرد در اختیار او بگذارید، نه بازیچه هایی را که طفل قسدرت انتفاع از آنها را ندارد. بگذارید طفل در سن خود، خیلی بچه ها از این حسرت— که از انجام کارهای بچه های بزرگتر از خود و یا بزرگترها ناتوانند— دست بخرابکاری میزنند.

ممکن است کودک نتواند برای خودش دوست پیدا کند. از امروز بمحض اینکه با بچه های دیگر روبرو شود، اسباب بازیهای آنانرا می شکند. یک راه برای رفع این مشکل هست: باوبیشتر مجال آنرا بدهید که در بهترین و خوشایندترین شرایط با بچه ها بازی کند.

که همه کس از اطفال خردسال متوقع است. این امر یکی از مراحل رشد و تکامل آنانست و دیربها زود آنرا پشت سر خواهند گذاشت. بیاد داشته باشید که این مرحله— اگرچه میتواند کسودک را به اعمال خرابکارانه سوق دهد— همچنین نیز مقدمه^۴ تکوین نیروئی در اوست که برای رفع موانع زندگی لازم است— نیروئی که بعدها ضامن موفقیت او در کارهاست.

خرابکاریها گاه عمدی است. در بعضی بچه ها میل بخرابکاری شدید است و چنین بنظر میرسد که در این کار سخت تعدد دارند اینگونه اطفال به یاری و مواظبت پدر و مادر و مربی خویش نیازمندند طفلی که از روی قصد و عمد دست بخرابکاری میزند بیشتر می خواهد اشیائی را از بین ببرد که متعلق است به:

- کودکی دیگر، و اغلب برادر یا خواهر
- یکدسته از کودکان.

اطفال معلومی— کوچکتر یا بزرگتر از خودش، اطفالی که تازه با آنان برخورد می کند و آنانرا نمی شناسد.

— پدر و مادرش، لوازم خانه.

— خودش.

این اشتیاق او به خرابکاری و از بین بردن از کجا ناشی است؟ بیشتر از آنجاست که وی بیکنوع، ناراحتی که در اختیار واراده ی خودش نیست دچار است.

شاید هم به سبب حسادت باشد. بچه خیال میکند که والدین یا مربی او طفل دیگری را بیش از او دوست دارند، یا دیگری جای او را در قلب آنان گرفته، در اینجا وی عواطف خود را مثلاً با پاره کردن دفترچه ی آن طفل ابراز میدارد. شما در این مورد باید سعی کنید که طفل احساس کند که

این موارد کافست که در پی کشف علت این تمایل طفل باشیم. تنها این راه است که والدین و مربیان میتوانند ریشه‌ی این رنج طفل را - بجای اینکه آنرا از روی ظاهر آن چند برابر کنند - ریا بند بنا بر این اگر دیدید که در یک لحظه‌ی غیر عادی، طفلی دارد در خرابکاری افراط میکند، این امر را بحساب یکی از شگفتیهای طبیعت انسانی بگذارید، و خیال نکنید که طفل بسوی یک نوع خشونت و ناهماری اخلاقی پیش میرود.

اگر کودک ...

روزنامه‌ی پدرش را مجاله میکند (بویژه اگر دو ساله و یا بچه‌تر است)
شما ...

مقداری کاغذ و روزنامه باو بدهید که مال خودش باشد و بتواند بدخواه خودش آنها را پاره کند.
اگر کودک ...

کتاب‌های خودش را پاره می‌کند،

شما ...

اگر هنوز خیلی بچه است، کتابهای پارچه‌ای بادوام برایش تهیه کنید (که متأسفانه در ایران نیست) و در صورتیکه زیاد بچه نیست اشیاء دیگری - که بی ارزش باشد - در اختیار او بگذارید که بتواند پاره کند.

اگر کودک ...

کتاب و کاغذ و دیگر چیزها را از قفسه‌ها بیرون میکشد و باین طرف و آنطرف می‌پراکند و یا با کسوها ورمیرود،

شما ...

قفسه‌ها و کسوهائی باو تخصیص بدهید که بتواند اشیاء تعلق بخود را در آنها جا بدهد. آنوقت

ببینید چرا نمیتواند با بچه‌های دیگر خوب تا کند و تا میتواند با و کمک کنید که با دیگران روابطی خوش آیند و مهرآمیز برقرار کند؛ در این صورت بجای اینکه بزد آنان برخیزد، با آنان خواهد بود.

ممکن است آن اسباب بازیهای را که دارد و از آنها خوشش می‌آید نداشته باشد. شاید ناراحت باشد. زیرسیگاری را از روی میز بر میدارد و بهوا پرت میکند، برای اینکه چیزی را که بتوان آنرا به هوا پرت کرد در اختیار ندارد. بچه احتیاج بیشتری به چیزهایی دارد که از آن خودش باشد و بتواند بدخواه خود با آنها بازی کند. دست کم چیزهایی برای او فراهم کنید که بتواند آزادانه خراب کند - مانند کاغذ، اشیاء پلاستیکی - بازیچه‌های چوبی و امثال آن و اگر آمد دست به خرابکاری بزند او را با این قبیل چیزها سرگرم دارید. اشیاء پلاستیکی بویژه، برای فرو نشانیدن شوق شکستن بسیار مناسب است. و یا در حمام فنجان و اسباب بازیهای مناسب در اختیار او بگذارید و بگذارید برای نیم ساعت با آنها باین طرف و آن طرف آب بپاشد.

بعضی وقتها چنین بنظر میرسد که طفل فقط فقط بمنظور " جلب توجه" چیزی را از میان میبرد. در اینگونه مواقع باید از خودتان بپرسید چرا؟ آیا فقط وقتیکه بداست بچنین " جلب توجهی" متوجه می‌شود؟ چه چیزی را تاکنون فاقد بوده که باین طغیان دست می‌زند؟ شاید در مواقع عادی با توجه مطلوب و کافی نشده است. با توجه بیشتری نشان دهید آن گونه توجهی که برآستی او را دلخوش سازد.

اینها چند نمونه از دلایل بسیاری است که در پشت پرده‌ی خرابکاری کودکان پنهانست و در تمام

دستش باشد آنرا میبرد و پاره می‌کند ،
... شما .

یک قیچی کند باو بدهید که بتواند با آن کاغذ
و تکه های پارچه را ببرد .
اگر کودک ...

هر وقت که فرصت بیاید دفتر جیبی شما را بر
میدارد و ورق میزند ،
... شما .

یک دفتر بغلی باو بدهید که مال خودش باشد
و بتواند آنرا بهرحا ببرد - این دفترچه بی‌مصرف
که "مامان" باو میدهد ، برای او غنیمت بزرگی

میبینید که بچه از اینکه ببیند چیزهایی "مال او"
است چقدر لذت میبرد .

او اگر ...

چیزهایی را که با تلاش بسیار نمی تواند با آنها دست
یابد روی کف اطاق ولو میکند ،
... شما .

اگر ممکن است او را بلند کنید که آن چیزها ، را
واریس کند ، یا بگذارید با آنها دست بزند ، آنها
را لمس کند و با اشیاء مختلف بازی کند . باین
ترتیب حس کنجگاو او را اکتان کنید .
اگر کودک ...



است .

اگر کودک ...

میبینید که - از شکستن و دریدن و خرد کردن
لذت میبرد ،
... شما .

او را " در تعمیر و اصلاح " کردن آن چیزها
یاری بدهید .

اسباب و اثاثیه منزل را بزمین و در دیوار میکوبند
... شما .

چیزهای دیگری باو بدهید که در اینکار مختار
باشد . بچه همینقدر که بتواند از چیزی هر چند
هم که ساده و بیش یا افتاده باشد بمیل خود
استفاده کند ، بی نهایت خوشحال می شود .
اگر کودک ...

کیف خیاطی شما را پیدا میکند و یا هر چیز که دم

دکتر علی امیری

در مورد این مساله که چه اموری سبب ناسازگاری در کودکان و حتی نوجوانان میشود پاسخ های متعددی قابل ذکرند. در بررسیهای مربوطه میتوان از علائم گوناگون نام برد که شرح و تفصیل مواردی از آنها در کتب روانشناسی و تربیت بچشم میخورد و ما در این بحث سعی داریم به مواردی از آنها با رعایت اختصار اشاره ای کنیم:

۱- علل ارثی

گروهی از صاحب نظران معتقدند که ناسازگاری و نابسامانی رفتار کودکان ریشه از ارث و کنه سرشت و طبیعت آنها دارد. تا حدی که قائل شده اند در صفات ارثی و همراه ژن آنها ناسازگاری ها منتقل میشوند. برخی از علما حتی قائل شده اند که تعداد کروموزوم های ناسازگاران و در سطح بالاتر جنایتکاران ۴۷ عدد است که نسبت به افراد مشابه یک کروموزوم زیادتر دارند. ولی تحقیقات بعدی نشان داده اند که در افراد طبیعی و عادی هم گاهی کروموزوم اضافی دیده میشود.

البته از نظر طرز فکر اسلامی مان هیچکس ذاتا بدجنس و خبیث نیست همگان با فطرت پاک و سرشتی نیکو دنیا می آیند و این محیط است که زمینه برای آلودگی شان فراهم می نماید. البته

ناسازگاری کودکان

وجود تعارض و کشمکش در زندگی روزمره بویژه زمانی که کودک احساس کند به وسایل دفاع مجهز نیست .

— وجود امیدها و آرزوها با این فرض که عدم ارضای آن توجیه عقلی و قابل قبول برای کودک ندارد .

۴- علل عاطفی :

در این زمینه نیز از علل و عوامل بسیاری میتوان نام برد که برخی از آنها بدینفرارند :

— احساس محرومیت از مهر والدینی بگونه‌ای که از آن اشباع شود .

— احساس ناکامی از دستیابی به هدف مورد علاقش .

— وجود مشکلات عاطفی ناشی از ولادت کودکی جدید در خانه و این احساس که او مهر و محبت والدین را درباره خودش از دست داده است .
— احساس از دست رفتن آبروی او در میان جمع مورد علاقش

احساس بی ارزشی و پوچی زندگی و یا انضباط تحمیل شده از والدین

— احساس کمبود از غذا و لباس با این توجیه که اگر پدر یا مادر بالای سرم بود این مشکل پدید نمی‌آمد

— احساس عدم امنیت عاطفی ناشی از درگیری والدین و خشونت‌ها و جدالها

بر آورده نشدن نیازهای اولیه چون محبت، خود شکوفائی وابستگی و تعلق، کنجکاوی ، جا باز کردن در میان جمع .

— بالاخره وجود احساس‌های مبهم و ناشناخته در زمینه رفع حوائج اولیه .

ناسازگاری مادرزاد داریم که بعلت نقص عقل رفتار نامناسب دارند که در چنان صورتی بیمارند و وضع شان و موضع مادر برابر شان فرق دارد .

۲- علل زیستی :

در این زمینه از علل و انگیزه‌های بسیاری میتوان نام برد که اهم آنها عبارتند از وضع بدن ، نقص بدن ، وضع مزاج اختلال در بینائی ، شنوائی و . . . اختلال در مغز و دستگاه عصبی و . . .

بعنوان نمونه میگوئیم کودکانی که نقص جسمی داشته و مثلا "مورد مسخر دیگران هستند نمی‌توانند وضعی عادی داشته باشند ، در برابر سرزنشها و مسخرگی‌های دیگران موضعی میگیرند که از آن به ناسازگاری تعبیر میشود . و یا آنها که بعلت نقص جسمانی دچار احساس کهنتری هستند برای غلبه بر این احساس وضع و رفتاری خصمانه در پیش میگیرند و نگرانی دیگران را بر می‌انگیزند

۳- علل روانی

در این زمینه از موارد بسیاری میتوان نام برد که اهم آنها میتوانند بدینقرار باشند

— اختلال عقلی که موجبات پدید آمدن رفتاری غیر عقلی میشود .

— وجود فشارهای درونی که موجبات عدم تحمل و بعدها ناسازگاری را فراهم می‌سازد .

— میلی به استقلال که زمینه را برای عصیان فراهم می‌کند .

— ضایعات روانی که عاملی برای ناسازگاری است — عادات عصبی که نشانه‌ای از وجود رفتسار ناسازگارند مثلا " ناخن جویدن ، مکیدن انگشت

۷- علل اقتصادی :

فقر و محرومیت اقتصادی خود از علل و عوامل ناسازگاری است. کودکانی که شاهد محرومیت خود و برخورداری دیگران هستند، اگرچه به ظاهر سخنی نگویند در درون نگرانیهایی خواهند داشت.

فرق است بین دو کودکی که هر دو هوس میوه‌ای و آجیلی و یادوچرخه‌ای دارند، برای یکی از آنها بمحض اشاره نامین می‌شود و برای آن دیگری خبری نیست. طبیعی است چنین کودکی نمی‌تواند رفتاری عادی داشته باشد. فاجعه‌بهنگامی بیشتر بروز خواهد کرد که او مورد ملامت و یا تنبیه پدر و مادر هم قرار بگیرد و بخاطر توقعش کتک هم بخورد.

۸- علل اجتماعی :

در این زمینه از مسائل بسیاری باید نام ببریم که برخی از آنها بدین‌قرارند :

- عدم مقبولیت در بین افراد اجتماعی بگونه‌ای که خود راناکزیر ببینند یا رفتاری خاص دیگران را به اطاعت و تبعیت وا دارند.
- وجود نابسامانی در بین اعضای خانواده و اختلاف و بگو مگوها.
- وجود متارکه یا طلاق در بین زن و شوهر بگونه‌ای که کودک چون تویی هر روز دست به دست بگردد.
- نا امنی ناشی از درهمی و مغشوشی وضع خانواده بعلمت فقر یا اخلاق.
- وجود بدآموزی‌های ناشی از خانه یا مدرسه در انجام یک امر
- طرد شدن کودک از سوی پدر یا مادر که او را

۵- علل اخلاقی : گاهی ناسازگاری بعلمت سقوط اخلاق و انحطاط آن است. فرزند در وضع موقعیتی است که زیربنای اخلاقی او در هم فرو ریخته و پای بندی بهیچ ارزش و مقرراتی ندارد.

این چنین افرادی که یله و رها شده و یا ضابطه‌ای را بالای سر خود ندیده‌اند خود را در برابر وقایع و جریانات آزاد و بدون مسئولیت احساس می‌کنند بهیچ عهدی متعهد نیستند و هیچ مقرراتی را با دیده احترام نمی‌نگرند. در میان جمعی رشد کرده‌اند که آنها نیز چون خود او بی‌توجه و ناپخته بوده‌اند.

همچنین ممکن است از تعالیم اخلاقی بی‌خبر باشند و یا کسی نباشد که اطلاعات و آگاهی لازم را به آنها داده و به پیشگیری آن بپردازد. و در همه حال حاصل آن سقوط و انحطاط اخلاقی است.

۹- علل تربیتی :

زمانی ناسازگاریها ناشی از وضع تربیتی است پدران و مادرانی که فرزندان یکدانه دارند و گاهی هم پدران و مادرانی که در امر تربیت فرزندان سهل‌انگارند موجبات لوسی و نتری فرزندان خود را فراهم می‌آورند.

افراط در محبت، نازکشی‌های بیهوده، ندانم کاریهای آنان سبب میشود که فرزندان خود سرو لجوج، بی‌اعتنای به مقررات و ضوابط بار آیند بعدها همین والدین و مربیان خود از دست پرورده خود به ستوه آمده و سعی خواهند کرد با ضرب و شتم‌ها آنان را مهار کنند که البته خواهند دید دیگر دیر شده است و امکان بازگشت کو دک به وضع عادی و طبیعی خود اگر محال نباشد لااقل بسیار دشوار است.

و ناسازگاری را برای شما بهارمغان آورده و برسر تان می‌ریزد. و یا برعکس کودکی وارد مدرسه میشود و

روزگار معلم و مسئولان را سیاه میکند.

این رفتار حاکی از آن است که طفل در محیط فشار و خفقان سختی است تا حدی که نتوان و جرات دم بر آوردن را ندارد و وقتی که به محیط باز و آرام رسید شرارت‌ها را از خود بروز میدهد.

می‌خواهیم بگوییم نوع انضباط و سیاستی که در خانه‌ها، مدرسه و یا اجتماع اعمال میشود زمینه را برای ناسازگاری فراهم می‌آورد و اگر قصد اصلاح باشد از آنجا باید آغاز گردد.

و امیدارد به حیل و روشی نظرشان را از نو بخود جلب می‌کند.

وجود اختلاف و منازعه بین برادر و خواهر و یاد دیگر اعضای خانواده بصورتی که طفل در داوری والدین خود را مظلوم احساس کند.

و البته امر تربیت و نوع آن نیز میتواند خود را علل اجتماعی باشد.

۹- علل فرهنگی :

نوع فرهنگ و اخلاق فرهنگی

ناشی از اجتماع یا مکتبی زمینه را برای سازگاری خاصی جهت افراد آن جامعه فراهم می‌آورد.

طرز فکرها، آداب و رسوم و سنن ویژه، فلسفه‌ها و ادبیات، ضرب‌المثل‌ها، شیوه‌های معاشرتی همه و همه زمینه را برای رفتاری خاص فراهم می‌سازند در جوامعی که سطح فرهنگی بالاست مردم بی‌گوشه‌اند در آنجا که سطح فرهنگ پایین‌تر است برخوردها و عملکردها بگونه‌ای دیگر است.

سازگاری مبانی فرهنگی از طریق عوامل فرهنگی چون کتاب و سینما، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و تأثیر به افراد منتقل میشوند و طبیعی است کودکی که در معرض چنین اوضاع و احوالی است همان را در جامعه پس بدهد. بدآموزی‌ها و یا آموزش‌های اساسی در این رابطه نقش فوق العاده‌ای دارند.

۱۰- علل انضباطی و سیاسی :

در این زمینه باید

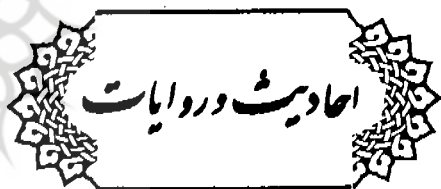
از شرایط و امکانات نام ببریم که در خانواده مدرسه و یا اجتماع جریان دارد. شما گاهی ملاحظه می‌کنید که فرزند شما به مدرسه میرود و پس از بازگشت به خانه یک دنیا شرارت، خرابکاری



قال الصادق عليه السلام

مَعَ الثَّبَاتِ تَكُونُ السَّلَامَةُ
وَمَعَ الْعَجَلَةِ تَكُونُ النَّدَامَةُ

سلامت در پرتو خوشیستن داری است
و پشیمانی ثمره شتابزدگی است



زیربوم هرکاری را قبلا " مطالعه نمایند اینگونه افراد اعتقاد دارند که هر کاری خواه کوچک و یا بزرگ باید قبلا " پخته شده دوران دم کشیدن را طی نماید افرادی که با فنون غذا پختن آشنائی دارند خود میدانند که پس از پخته شدن برنج مدتی باید آتر با حال خود واگذارند تا کاملا " جا بیفتد چنین کاری را دم کشیدن گویند هر کاری قبل از انجام دادن آن این دوره دم کشیدن را باید داشته باشند .

با مطالعه و بررسی بدست میاید که کل تصمیمات افراد جامعه با عجلوانه می باشد خواه این کار امر مهم از دواج باشد یا خانه خریدن باشد یا قبول مسئولیت باشد یا رانندگی باشد شاید زندگی ماشینی شهری و تشکیلات بوروکراسی سهم و نقش سزایی در پیدایش این روحیه ویاتشد یسدآن داشته باشد .

با همه اینها با مطالعه روحیات انسان ها بدست

طمأنینه و ثبات

برای تشریح و تبیین معنای طمانینه و ثبات بهتر است معنای عجله را که کلمه مقابل آن است تبیین نمایم چون با این کلمه انس و الفت زیادی داریم زیرا در راه رفتن و انجام کارها در حرف زدن و در تصمیم گرفتن ها همه بطور نسوع شتاب زده و عجول می باشیم زود می بریم و زود می خواهیم بدوزیم . بدون مبالغه شتاب زدگی در کل زندگی ما حاکم است تنها افراد معدودی هستند که در انجام هرکاری عواقب آن کار را در نظر گرفته در ابعاد گوناگون آن فکر و تامل مینمایند خواه اینکار بزرگترین تصمیمات باشد یا یک کار ساده روزمره باشد . اساسا " اینگونه افراد تلاش میکنند

بطور کلاسیک باید آموزش دینی داد تا در هر مرحله‌ای
مترقی‌دارای زمینه‌های قبلی بوده باشد. بدون
توجه باین نکته حساس و دقیق گاه دیده میشود
که چه ضایعات جبران ناپذیری در آموزش‌های
دینی بوجود می‌آید.

در اینجا ذکر این نکته لازم و ضروری است که
خود انسان نیز باید در مسیر تربیتی خودش توجه
باین نکته داشته عجولانه و شتاب زده و بدون
در نظر گرفتن ظرفیت ها و گنجایش‌ها بخود فشار
وارد نیورد چه ممکن است در صورت فشار آوردن
یکباره تاب و تحمل انسان تمام شده یکباره زمام
اختیار بنفس اماره سپرده شود روی این اصل
پیامر اسلام میفرماید:

در جهاد بانفس همیشه باید با رفق و مدارا رفتار
کرد.

نَفْسُكَ مَطِيئَتُكَ فَارْفُقْ بِهَا نَفْسَ تَوْ مَرَكَبِ تَوْسْت

در بهره‌گیری از آن باید با رفق و مدارا رفتار
نمائی تا بتوانی آنرا زیر سلطه خود درآوری و گرنه
یکباره سوار کار را بر زمین زده راه فرار در پیش
خواهد گرفت.

با مطالعه در اخبار و احادیث بنظر میرسد که در
موارد انجام امور خیر و پسندیده شتاب‌زدگی و
عجله مطلوب میباشد چنانچه مضمون برخی
از روایات نیز این مطلب را تاکید میکند.

پیامبر بزرگوار فرمود: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ الْخَيْرِ مَا
يَجَلِّ**.

خداوند کار نیکوئی را که سریعاً انجام گیرد دوست
دارد.

از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است
مَنْ هَمَّ بِخَيْرٍ فَيَعْجَلْهُ وَلَا يُؤَخِّرْهُ

کسی که انجام کار خیری را قصد کرد باید فوراً آن
را انجام داده بتاخیر نیندازد

می‌آید که برخی از افراد اساساً از نظر فکری و
روحي شتاب زده هستند آنچه که در خاطرشان
میگذرد بدون آرایش و تصرفی آنرا در اختیار
دیگران قرار میدهند و برعکس افرادی نیز وجود
دارند که همیشه آنچه که بذهنشان میگذرد اولاً
آنرا حلاجی کرده صحت و سقم و رسائی و
نارسائی‌های آنرا معلوم کرده بعداً با حک و
اصلاحی که خود در آن بوجود آورده اند در معرض
دیگران قرار میدهند این واقعیت روحی را پیشوایان
دینی بعنوان تشبیه نام گذاری کرده اند پیامبر
بزرگوار (ص) میفرماید:

**إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ الْعَجَلَةَ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ تَنَبَّهُوا لَمْ
يَهْلِكْ أَحَدٌ** . یعنی:

شتاب‌زدگی و عجله همه مردم را بکشتن میدهد
و اگر مردم ثبات و طمانینه داشتند هیچگاه کشته
نمیشدند.

در مورد دیگری رسول خدا میفرماید: **إِنَّ الْإِنَاءَ مِنَ
اللَّهِ وَالْعَجَلَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ**

تامل و طمانینه از پروردگار متعال است و شتاب‌زدگی
از ناحیه شیطان است.

در کتاب اصول کافی در باب درجات ایمان پیشوایان
دینی در ضمن روایاتی بانسان‌ها هشدار داده در
تربیت‌های دینی گوشزد کرده اند که در پیاده کردن
روحیات ارزنده و تقوایی همیشه باید میسران و
درجه ایمان افراد کاملاً در نظر گرفته شود
و مطابق همان درجه مسائل ایمانی پیاده گردد و اگر
بدون تامل و بینش مسائل تقوایی در اختیار
افراد قرار نگیرد ممکن است بعضی‌ها تاب‌کشش آن
مقدار و میزان را داران بوده کمر توانایی و
قدرتشان بخمید در آمده یکباره شان خود را از همه
واقعیات خالی خواهند کرد بانوجه باین نکته
ظریف تربیت دینی همیشه باید گام بگام مسائل
سازندگی و تقوایی را پیاده کرد و بعبارت دیگر



بامطالعه این روایات و مشابه آن بنظر میرسد که هدف آن نیست که امور خیریه را باید باشتنازدگی و عجله انجام داد بلکه هدف از اینگونه روایات اینست که وقتی انسانی بطور پخته و عمیق قصد کرد امر خیری را انجام دهد باید در انجام آن کار نیک سریعاً اقدام کند پس منظور سرعت در انجام آن است نه در اصل کار نیک.

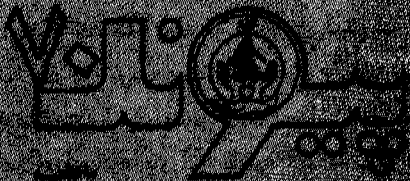
بعبارت دیگر وقتی انسان عمیقاً عمل خوبی را مورد مطالعه قرار داده پس از اندیشه و تأمل به انجام آن سریعاً اقدام نماید زیرا در صورت تأخیر بتدریج فکر و روحیه آدمی دگرگون شده ممکن است از انجام آن انصراف یابد یا امکانات آن کار از بین برود.

از امام محمد باقر علیه السلام اینچنین نقل شده است:

مَنْ هَمَّ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَلْيَعْجَلْهُ فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ فِيهِ تَأْخِيرٌ فَإِنَّ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَظْرَةٌ

هر که قصد کند که امر نیکی را انجام دهد باید در انجام آن شتاب نماید زیرا انجام آن کار اگر بتأخیر افتد شیطان نظرات منفی خود را وسوسه کرده آدمی دچار سستی و ضعف خواهد شد.

بنابراین منظور از تعجیل در امر خیر اینست که وقتی انسان اراده کرد عمل خوبی را انجام دهد نباید در انجام آن سستی و تسامح روا دارد چه تأخیر انداختن دارای آفات و زیانهای است پس وقتی انسان تصمیم بسه انجام کار نیکی می گیرد باید در مرحله عیبیت آن سستی و تکاهل بخود راه نداده آنرا بریده جلو رود والا اگر بخواهد امروز و فردا نماید آن کار انجام نخواهد گرفت.



تذکره
امام زین العابدین علیه السلام

تذکره
امام زین العابدین علیه السلام

تذکره
امام زین العابدین علیه السلام

تذکره
امام زین العابدین علیه السلام

تذکره
امام زین العابدین علیه السلام

تذکره
امام زین العابدین علیه السلام

تذکره
امام زین العابدین علیه السلام

تذکره
امام زین العابدین علیه السلام

تذکره
امام زین العابدین علیه السلام

تذکره
امام زین العابدین علیه السلام

تذکره
امام زین العابدین علیه السلام

یا اشخاص بخصوص چگونه تاثیراتی ممکن است برای او وجود داشته باشد. این خود کلیدیست برای کشف علت خرابکاری کودک. مثلا "اگر کتاب خواهر کوچکتر خود را پاره کرد بدانید که این بسبب رشکی است که نسبت با او در خود احساس میکند. در اینصورت حتما "اورا سرزنش یا وادار به عذرخواهی نخواهید کرد چه میدانید که تدابیری کاملاً مغایر این اعمال توجه و محبت بیشتر شما نسبت با و راه عاقلانه تری برای رفع این اشکال است. که رفته رفته با و یاد دهید که بعضی کارها را نباید کرد و در اینکار صبر و صمیمیت فراوان بخرج دهید. نسبت با و مهربان باشید و از این مهربانی لحظه ای غافل نشوید. مثلا " بگوئید: " این جوهر مال من است نباید بریزیش. و این مال تست و هر کاری که بخواهی میتوانی با آن بکنی"

و در این مورد، نظر شما نباید حفظال خودتان باشد بلکه باید بیشتر در صدد پرورش صحیح طفل خود باشید بجه اگر بدانند که برای اعمال و رفتار وی حدودی معین است راحتتر خواهد بود از عیبجوئی، سرزنش، تنبیه و وعظ و اندرز بپرهیزید، و بجای اینهمه با و یاد دهید که چگونه قوای خود را در مسیری مطلوب تر بکار اندازد.

هر چه بیشتر بدنال سرگرمی های اشتراکی باشید سرگرمی هایی که هم برای او و هم برای شما دلچسب و مشغول کننده باشد.

چیزهاییکه بشود از هم باز و باز بهم وصل کرد، در اختیار او بگذارید (مثلا اسباب و ابزارهای بیمصرف، اشیائی که درون هم قرار میگیرند و چیزهاییکه بیج میخورند و باز میشوند)

پیشگیری از خرابکاریهای عمدی و اتفاقی

خرابکاری طفل برایتان غیر منتظره نباشد شما نباید بخواهید که فرزندان بیش از حد دقیق و محتاط باشد. در حقیقت اگر چنین بود باید ناراحت و نگران هم باشید. چه طفل بسیار محتاط طفلی است احساساتی و آشفته، و این مشکل دیگری است که باید در پی چاره ی آن بود.

اگر ظاهراً "تشخیص دادید که بازی وادارد جنبه ی خشونت آمیز و وحشیانه ی بخود میگیرد بیدرنگ از یک "مصیبت" جلوگیری کنید، در اینگونه مواقع، چند دقیقه آرام برای او قصه گفتن اعجاز میکند! یا با او در بازی با گل و شن و چیسدن و بریدن کاغذ شرکت کنید او را از موقعیتی که عصبانیش کند بدور دارید. پانزده دقیقه را صرف "پیشگیری" کردن برابر است با سه ساعت صرف "رفع و جبران" حادثه کردن.

دقت کنید و دلایل خرابکاری طفل را پیدا کنید اگر چه اسباب بازی کافی، فعالیت های خارج از منزل و یا مناسب برای اینگونه فعالیتها را ندارد آزادی بیشتری با و میدهید. در صورتیکه طفل بعد دست بخرابکاری میزند، ببینید که در شرایط